

جایگاه فرهنگ قناعت (اقدام و عمل) و کارکردهای آن در تبیین و تحکیم مبانی

اقتصاد مقاومتی از نگاه تعالیم اسلامی

فیض اله اکبری دستک^۱

چکیده

همان گونه که دین اسلام برای تربیت دینی و اخلاقی پیروان خویش برای دست یابی به زندگی سالم و معنادر در ابعاد گوناگون فردی و اجتماعی، اصول و برنامه‌هایی را تدارک دیده، برای تربیت اقتصادی و معیشتی آنان نیز الزامات و راهکارهایی در نظر گرفته است که کاربست دقیق، به‌جا و هماهنگ آنها، قطعاً می‌تواند ضامن سلامت و سعادت حیات دنیوی و اخروی مسلمانان شود. یکی از این راهکارهای تأثیر گذار و مهم در این زمینه، فرهنگ قناعت است. بی‌شک هیچ جامعه‌ای بدون اقتصاد ریشه دار، برنامه محور و پویا نمی‌تواند امید چندانی به رشد و پیشرفت حتی در ابعاد فرهنگی و اجتماعی داشته باشد. این نوع از جوامع همواره در معرض انواع تهدیدها و تحریم‌های دشمنان و مخالفان خود خواهند بود که جهان اسلام و به ویژه جمهوری اسلامی ایران نیز از آن مستثنا نیست. قناعت که باید آن را از جمله اساسی‌ترین عنصر سبک و سیره زندگانی پیامبران الهی و پیشوایان بزرگ دینی قلمداد کرد، دارای خاستگاه عقلانی و معرفتی است که به‌عنوان موهبت الهی و مصداق بارز شکرگزاری خداوند و نیز ارمغان ماندگار عفت و وارستگی، گستره وسیعی از شئون مختلف زندگی مادی و معنوی انسان‌ها را دربر می‌گیرد. فرهنگ قناعت و خود بسندگی از چنان ظرفیت و کارایی والایی برخوردار است که کارکردهای معنوی و تربیتی و نیز کارکردهای اجتماعی و اقتصادی آن را می‌توان تنها به‌عنوان بخش عمده‌ای از وسعت کارآمدی و کارکردی مورد اشاره آن در زمینه تحقق و تقویت مبانی و زیر ساخت های اقتصاد مقاومتی در این مقاله قلمداد کرد.

کلیدواژه‌ها: قناعت، مصرف، کارکردها، گستره، تربیت، اقتصاد مقاومتی، آموزه‌های اسلامی.

(۱). استادیار دانشکده الهیات دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج (f.Akbari@kia.ac.ir).



مقدمه و طرح مسئله

قناعت از جمله فضایل اخلاقی و رفتاری بسیار ارزشمندی است که در فرهنگ و تعالیم اسلامی از اهمیت و منزلت والایی برخوردار است؛ به گونه‌ای که سیره عملی و سبک زندگی پیامبر اسلام (ص)، امامان معصوم (ع) و اولیای الهی بر منهج قویم قناعت استوار بوده است. واژه قناعت اگرچه به شکل مصدری و کنونی آن در قرآن کریم نیامده است، ولی مشتقات و هم خانواده‌های آن از ریشه «قَنَعَ» دوبار و به صورت جداگانه در آیه ۴ سوره ابراهیم و ۳۶ سوره حج به کار رفته است که به همراه سیاق‌های آن، جمعاً به تعداد ۱۵ آیه از قرآن را شامل می‌شود. بر مبنای این، مبحث قناعت و نیز ابعاد و آثار آن در متون روایی و سخنان پیشوایان معصوم (ع) به کرات مورد اشاره و استناد قرار گرفته است. این در حالی است که برخی همواره در فهم دقیق و تلقی صواب از فرهنگ غنی و سازنده قناعت، دچار نوعی خطا و کج اندیشی شده قناعت را به معنای کم مصرف کردن و یا حتی مصرف نکردن نعمت‌های الهی و نیز دستاوردهای بشری می‌دانند و به مفهوم جامع و بیان لطیف آموزه‌های دینی اسلام از فرهنگ انسان ساز قناعت، به ویژه به کارکردها و بازخوردهای گوناگون آن در شئون مختلف زندگی آحاد جامعه اسلامی و نیز در مسیر معناداری زندگی انسان‌ها، توجه نمی‌کنند. از سوی دیگر برخی نیز قلمرو و گستره قناعت را صرفاً در حوزه معیشت اقتصادی و درآمدی خود فرض می‌کنند و سایر ابعاد و دامنه زندگی را از شمول قناعت، خارج می‌شمارند؛ در حالی که آموزه‌های صحیح و صریح اسلامی، گستره وسیع و نامحدودی از حیات مادی و معنوی بشر را مشمول راهبرد اساسی فرهنگ قناعت دانسته کارکردها و آثار بی‌نظیر کاربرست دقیق و عمیق آن را ضامن سلامت و سعادت فردی و اجتماعی زندگی مسلمانان اعلام کرده است. در مقاله حاضر تلاش کردیم تا از یک سو مفهوم دقیق و لطیف قناعت در تعالیم اسلامی را بررسی و منزلت آن را تبیین کنیم و از سوی دیگر دامنه و گستره فرهنگ قناعت در شئون مختلف حیات مادی و معنوی انسان‌ها را تصویر نماییم تا از رهگذر آن، مبانی دینی راهبرد اقتصاد مقاومتی را از دریچه نگاه متون مأثوره اسلامی تبیین و تقویت کنیم.

مفهوم قناعت

دانشمندان علم لغت، قناعت را به معنای به اندک اکتفا کردن و راضی بودن از امور گذران دنیوی و عوارض نیازمند به آنها دانسته‌اند (راغب اصفهانی، بی تا: ج ۱: ۶۸۵) و بعضی دیگر گفته‌اند که قناعت تنازل است تا جایی که فرد زندگی خود را با امکاناتی که در دست دارد، منطبق سازد (مصطفوی، ۱۳۶۰ش: ج ۹: ۳۲۶).

علمای اخلاق نیز، قناعت را در گستره وسیعی از معانی آن تفسیر کرده‌اند؛ به گونه‌ای که برخی گفته‌اند قناعت یک ملکه نفسانی است که به موجب آن، انسان به نیاز خود از اموال رضایت می‌دهد و خود را برای تحصیل بیشتر آن به مشقت نمی‌اندازد. (نراقی، بی تا: ج ۲: ۱۰۰) برخی دیگر نیز گفته‌اند که قناعت آن است که انسان بیش از هر چیزی به خدای متعال متکی بوده به هر چیز که در اختیار دارد، خشنود و سازگار باشد و با عزت نفس و آبرومندی به سر برده هیچگاه چشم‌داشتی به دیگران نداشته باشد و از نداشتن امور مادی و کمبودها، اندوهگین و حسرت زده نباشد. (سادات، ۱۳۶۵ش: ج ۲: ۱۵۱) علاوه بر واژه قناعت، از کلمه های «کفاف، کفایت، رضایت، اقتصاد و اقتصار» نیز در فرهنگ اسلامی به عنوان واژگان مترادف و یا متناظر با قناعت یاد شده است که بر اهمیت و اعتبار این شاخصه دینی و اجتماعی دلالت می‌کند. ما در اینجا تنها به بیان دو مورد بسنده می‌کنیم:

* **کفاف:** آن اندازه از امکانات زندگی است که انسان را از دیگران بی‌نیاز کند و از درخواست بازدارد. (طریحی، ۱۳۷۵ش: ج ۵: ۱۱۳) پیامبر اکرم (ص) در مورد کفاف فرمودند: «أَلَا وَ إِنَّ أَفْضَلَ النَّاسِ عَبْدٌ أَخَذَ فِي الدُّنْيَا الْكَفَافَ وَ صَاحَبَ فِيهَا الْعُقَافَ»: آگاه باشید که با فضیلت‌ترین مردمان، بنده‌ای است که از دنیا به اندازه کفاف به دست آورد و همواره در زندگی، عفاف ورزد. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۷: ۱۷۹) امام علی (ع) نیز در این باره می‌فرمایند: «قَلِيلٌ يَكْفِي خَيْرٌ مِنْ كَثِيرٍ يُؤَدِّي»: مقدار اندکی که بدان بسنده شود، بهتر از آن بسیاری است که تباهی آورد. (آمدی، ۱۳۷۸ش: ۲۳۴)

* **اقتصاد:** از ریشه قصد و به معنای متوسط، اعتدال و میانه‌روی است. (قرشی، ۱۴۱۲: ج ۶: ۸) اقتصاد به معنای میانه‌روی را می‌توان در کلام معصومین (ع) یافت؛ چنان که پیامبر اعظم (ص) می‌فرمایند:

«مَنْ اقْتَصَدَ فِي مَعِيشَتِهِ رَزَقَهُ اللَّهُ وَ مَنْ بَذَرَ حَرَمَهُ اللَّهُ». (حکیمی، ۱۳۷۶ش: ج ۳: ۲۶۵) از امیرمؤمنان علی (ع) نیز روایت شده که فرمودند: «غَايَةُ الْاِقْتِصَادِ الْقَنَاعَةُ»: غایت میانهری، قناعت و رزی است. (محمّدی ری شهری، ۱۳۷۷ش: ج ۸: ۱۳۹)

از سوی دیگر، مفاهیمی همچون: حرص، طمع، اسراف و اتراف در تقابل و تضاد با قناعت در کلام معصومین (ع) بیان شده است که این امر شاهد گویایی بر این مدعاست. آنجا که امیرمؤمنان حضرت علی (ع) ریشه کنی حرص را عامل استقرار قناعت در زندگی قلمداد کرده اند: «لَنْ تُوَجَدَ الْقَنَاعَةُ حَتَّى يُفْقَدَ الْحِرْصُ»: قناعت به دست نخواهد آمد، مگر آنکه حرص، ریشه کن و نابود شود (آمدی، ۱۳۷۸ش: ۲۹۵). ایشان در جایی دیگر، قناعت را عامل عزّت و طمع را عامل ذلّت برشمرده اند: «عَزَّ مَنْ قَنَعَ وَ ذَلَّ مَنْ طَمَعَ»: آنکه قناعت ورزد، عزیز گردد و آنکه طمع ورزد، خوار شود (آمدی، ۱۳۷۸ش: ۲۹۵). همچنین امام علی (ع) اسراف را این گونه تعریف کردند: «مَا فَوْقَ الْكَفَافِ إِسْرَافٌ» (آمدی، ۱۳۷۸ش: ۴۰۵).

سیمای قناعت

در آموزه های ناب اسلامی، فرهنگ قناعت از اهمیت و منزلت خاص و والایی برخوردار است؛ به گونه ای که شاید بتوان گفت این فضیلت اسلامی، بیش از سایر فضایل اخلاقی مورد اهتمام، تحسین و تأکید پیشوایان دینی قرار گرفته است. از این رو، سیمای قناعت در شریعت اسلامی به روشنی هرچه تمام تر ترسیم گردیده و به عنوان الگویی جامع و قابل دسترس در اختیار مخاطبان و پیروان آن قرار گرفته است؛ آن سان که موارد ذیل شاهد گویایی بر این مدعاست:

۱. قناعت، سبک زندگی پیامبران

بر اساس مطالعات قرآن شناختی و سیره شناختی، پیامبران الهی و نیز پیشوایان معصوم (ع) را باید در صدر جمله کسانی دانست که قناعت و کفاف را در همه شئون زندگی سرلوحه دعوت و همچنین سبک زندگی خویش قرار داده بودند و پس از آن، امت های خویش را بدان فرامی خواندند. امیرمؤمنان علی (ع) در ضمن بیانی، یکی از مهم ترین اوصاف انبیای الهی را قناعت پیشگی، ساده زیستی و نیز داشتن سبک زندگی متعارف و متناسب با سطح عمومی جامعه برمی شمارند؛ هر

چند که خداوند می‌توانست آنان را با سلطنت و تکبر متکبران در ثروت بیافریند، ولی چنین نکرد: «در صورتی که خداوند پیامبران را با عزم و اراده قوی گرچه با ظاهری ساده و فقیر مبعوث کرد، ولی در آنان چنان قناعتی قرار داد که دل‌ها و چشم‌ها را پُر سازد؛ در عین حالی که فقر و حاجات ظاهری آنان، چشم‌ها و گوش‌ها را خیره می‌کند» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲). امام صادق (ع) در ضمن حدیثی از جمله اختصاصات پیامبران الهی را مکارم اخلاق می‌داند که خداوند آنها را به فرستادگان خویش ارزانی داشته‌اند: «خداوند، عزوجل، پیامبران خویش را به مکارم اخلاق امتیاز و اختصاص بخشید. پس شما نیز خود را در این باره بیازمایید. اگر این ویژگی‌ها در شما بود، حمد خدا را به‌جا آورید و یقین بدانید که آن، از جمله امور خیر است. ولی در صورتی که آن ویژگی‌ها در شما وجود نداشت، آنها را از خداوند مسئلت کنید و بدان رغبت نمایید.» آنگاه ایشان آن مکارم اخلاقی را در ده مورد بیان فرمودند: «آنها عبارت‌اند از: یقین، قناعت، صبر، شکر، رضا، حسن خلق، سخاوت، غیرت، شجاعت و مروّت» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲، ۵۶؛ حر عاملی، ۱۴۰۲: ج ۱۱، ۱۳۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۶، ۳۶۸).

۲. قناعت، علامت پارسایان

قناعت نه تنها از امتیازات و اختصاصات فرستادگان خاص الهی است، بلکه این فضیلت اخلاقی در میان پارسایان و زاهدان که از جمله پیروان راستین انبیا، به‌شمار می‌روند نیز وجود دارد و بدان علامت در بین مردم شناخته می‌شوند. آنجا که امام علی (ع)، قناعت را علامت و بیرق برافراشته پرهیزگاران معرفی می‌کنند و می‌فرمایند: «الْقَنَاعَةُ عَلَامَةُ الْأَتْقِيَاءِ»: قناعت، نشانه پارسایان است (آمدی، ۱۳۷۸ ش: ۱، ۱۶۵). ایشان در جای دیگر، حقیقت انسان پرهیزگار را این گونه تعریف می‌کنند: «الْمُتَّقِيُّ قَانِعٌ مُتَنَزِّهٌ مُتَعَفِّفٌ: پرهیزگار، کسی است که قناعت ورزد، پاک‌سرشت باشد و عفت روا دارد (همان منبع: ۳۷۵). امام علی پیروان خویش را به داشتن چنین اوصاف شایسته‌ای برای اجتناب از محرمات الهی، دستور می‌دهند: «كُنْ مُؤْمِنًا تَقِيًّا مُتَقَنًّا عَفِيفًا»: همواره فردی باتقوا، قناعت‌گر و باعفت باش (همان منبع: ۶۱۳).

اهمیت دقت در احادیث فوق آنجاست که آن حضرت از یک‌سو قناعت را برخاسته و برآمده



از رعایت تقوای الهی و به عنوان میوه و ثمره شیرین آن معرفی می کنند و از سوی دیگر، سه عنصر اصیل قناعت، نزاهت (وارستگی) و عفت و پاکدامنی را قرین یکدیگر و از جمله نشانه های پرهیزگاران برمی شمارد؛ چرا که در هر سه فضیلت اخلاقی به نوعی ترک فعل و نیز عبور از بسیاری از مهالک هواهای نفسانی و لذا ید ظاهری دنیوی وجود دارد که تنها با ترک و پشت پازدن بدان ها، تقوای راستین و قوه بازدارنده از گناهان حاصل می شود.

مولای متقیان علاوه بر ترسیم نقشه راه در بُعد فردی قناعت، به ابعاد کلان اجتماعی و فرهنگی آن اشاره کرده در خطبه «متقین»، فرهنگ قناعت و رعایت الگوی مصرف را به عنوان شاخصه بارز پرهیزگاران در مسیر حیات و بالندگی جامعه اسلامی، این گونه تصویر می فرماید: «الْمُتَّقُونَ أَنْفُسَهُمْ قَانِعَةً وَ شَهَوَاتَهُمْ مَيِّتَةً وَ وُجُوهُهُمْ مُسْتَبْشِرَةٌ وَ قُلُوبُهُمْ مَحْزُونَةٌ»؛ پارسایان، قناعت در جان هایشان زنده و آرزوهایشان مرده است، دارای چهره هایی شکسته و دل هایی اندوهگین هستند. (همان منبع، ج ۲: ۱۸۴)

انسان قانع، هیچگاه به زیورها و زینت ها و نیز لهو و لعب های ظاهری و زودگذر دنیا دلبسته نمی شود و همواره دنیا را گذرگاهی موقت برای سرای همیشگی آخرت می داند. از این رو، در همه امور دنیا حتی در خوراک و رفتار نیز به قاعده و با قناعت رفتار می کند. امیرمؤمنان (ع) در این باره چنین می فرماید: «قَانِعَةٌ نَفْسُهُ مَنُورًا أَكَلَتْ سَهْلًا أَمْرُهُ»؛ {پارسایان} وجودی قناعتگر، خوراکی اندک و رفتاری سهل و بی تکلف دارند. (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳)

۳. قناعت، ثمره عقلانیت

برابر آموزه های صریح اسلامی، قناعت علاوه بر داشتن خاستگاه دینی و پایگاه اخلاقی، بنیاد و ریشه عقلانی نیز دارد. قناعت در لسان معصومین (ع) بازتاب عملکرد عقلانی و خردمندانه ای می باشد که بر اساس آن می بایست قناعت پیشه گان را در شمار خردمندان و خردگرایان قرار داد؛ چرا که اساساً عقل را باید مهم ترین عامل و ابزار گزینش و گرایش به سمت قناعت به حساب آورد. حضرت علی (ع) در این باره می فرماید: «مَنْ عَقَلَ قَنَعَ»؛ آنکه عقل خود را به کار بندد، قناعت پیشه کند.

بر اساس این، خردورزی و قناعت پیشگی ارتباط متقابل و دوسویه ای با یکدیگر دارند و در یک نقطه مشترک به هم می رسند و آن نقطه همان جلوگیری انسان از افراط و اسراف و ایصال به عزت و اقتدار است. حضرت علی در بیانی دیگر، به نقش بی بدیل قوای عقلی و معرفتی در لزوم

قناعت‌ورزی و نیز پاکدامنی اشاره می‌کند و می‌فرماید: «يُنْفَعِي لِمَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ أَنْ يُلْزَمَ الْقَنَاعَةَ وَالْعِفَّةَ»؛ سزاوار است آن کسی که خویشتن را به درستی شناخت، با قناعت و عفت ملازم باشد (آمدی، ۱۳۷۸ش: ج ۶: ۴۴۱).

باتوجه به کلام امام علی (ع)، این خودشناسی عمیق است که به عنوان دستاورد بزرگ خردورزی و تفکر صحیح، آدمی را به سوی قناعت سوق می‌دهد تا به قدر کفایت، به قلّه بی‌نیازی نایل آید. امام کاظم (ع) نیز در ضمن حدیثی، از یک سو به منزلت والای عقل در هدایت انسان به سمت و سوی قناعت اشاره می‌کند و از سوی دیگر نقش ویژه قناعت را در دست یابی به مقام بی‌نیازی متذکر شده و چنین می‌فرماید: «هر کس عقل خویش را به کار بندد، بدانچه که او را بسنده باشد، قناعت می‌کند و آن کس که بدان مقدار که وی را بسنده است، قناعت کند، بی‌نیازی یابد. هر کس که چنین نباشد، هرگز به مقام بی‌نیازی دست نیابد» (حکیمی، ۱۳۷۶ش: ج ۳: ۴۵۰).

۴. قناعت، موهبت الهی

حقیقتاً باید قناعت را در شمار الطاف و مواهب خاص الهی در حق بندگان مؤمن و خردگرا به شمار آورد تا در سایه آن، به حیات طیبه و سعادت ابدی دست یازند و از آلودگی‌ها و نارسایی‌های این دنیای گذرا، رهایی یابند. چنان که حضرت علی (ع) در بیان روشنگرانه خویش، قناعت را ارمان خاص خداوند نسبت به بندگان محبوب وی توصیف کرده اند: «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا أَلْهَمَهُ الْاِقْتِصَادَ وَحُسْنَ التَّدْبِيرِ وَ أَلْهَمَهُ الْقَنَاعَةَ»؛ هرگاه خداوند خیری را برای بنده خویش اراده نماید، میانه‌روی، حسن تدبیر در معاش و قناعت را بر دل وی الهام می‌کند» (محمّدی ری‌شهری، ۱۳۷۷ش: ج ۳: ۲۱۵). آن حضرت همین مطلب را در بیان دیگری چنین اعلام می‌دارند: «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا أَلْهَمَهُ الْقَنَاعَةَ فَانْكَبَتْ بِالْكَفَافِ وَ اُكْتَسَى بِالْعَفَافِ»؛ هرگاه خداوند خیر بنده‌اش را بخواهد، قناعت را در دل وی قرار می‌دهد. پس او به کفاف و قناعتی که از عفاف به دست آمده است، بسنده می‌کند. آمدی، ۱۳۷۸ش: ج ۲: ۳۲۸).

بر اساس این روایت علوی (ع) باید رفتار قناعت‌مدار انسان موحد و مؤمن را در اراده و الهام خاص الهی، جست‌وجو کرد که آن را به مثابه تحفه‌ای از تحفه‌های آسمانی به چنین مخلوقاتی ارزانی نموده است. همچنان که آن حضرت در بیان دیگر خویش به چنین هدیه و تحفه‌ای اشاره



کرده فرمودند: «مَنْ أُتِحِفَ الْغَفَّةَ وَالْقَنَاعَةَ خَالَفَهُ الْعِزُّ»؛ هر کسی که گوهر عفت و قناعت به وی تحفه داده شود، قطعاً عزّت و سربلندی نیز با وی همراه و هم‌قسم گردیده است (آمدی، ۱۳۷۸ ش: ج ۱: ۳۸۶).

براساس کلام حضرت علی (ع)، خداوند متعال قناعت و نیز سلامتی جسم را به‌عنوان بهترین و گواراترین قسمت‌ها در میان بندگان خویش ودیعت نهاده است؛ چنان که می‌فرمایند:

«أَهْنَأُ الْأَقْسَامِ الْقَنَاعَةَ وَصِحَّةُ الْأَجْسَامِ» (همان منبع، ج ۲: ۴۰۸). با دقت و تدبیر عمیق در این کلام نورانی آن حضرت، می‌توان دریافت که قناعت به‌عنوان ابزاری برای سلامتی روح و روان انسان و صحت تن قرین و همکار یکدیگر هستند که هر دو نهایتاً به پرورش انسان فکور و هدفدار در زندگی، کمک می‌کنند. همچنان که امام صادق (ع) نیز در ضمن بیان خویش، قناعت را از جمله الطاف و مواهب الهی در حق بندگان توصیف کرده است که عقل و خرد در تکمیل و هدفمند سازی آنها، دخالت دارد؛ چنان که می‌فرمایند:

«لَمْ يُقَسِّمْ بَيْنَ الْعِبَادِ أَقْلٌ مِنْ خَمْسِ الْيَقِينِ وَالْقَنُوعِ وَالصَّبْرِ وَالشُّكْرِ وَالَّذِي يَكْمُلُ بِهِ هَذَا كُلُّهُ الْعَقْلُ»؛ خداوند در میان بندگان خود، کمتر از پنج چیز را فرو نهاده است که عبارت اند از: یقین، قناعت، صبر، شکر و نیز عقلی که تمام این موارد را کامل می‌سازد. (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲: ۵۶)

۵. قناعت، مصداق شکرگزاری

به همان اندازه که قناعت، موهبت الهی و تحفه رحمانی خداوند در حق بندگان صالح است، متقابلاً قناعت‌ورزی نیز به نوعی، به‌عنوان مصداق اتم و بارز شکرگزاری بنده به‌درگاه الهی، معرفی شده است. به گونه‌ای که در روایات اسلامی، شاکرترین مردم به پیشگاه الهی، قانع‌ترین آنان نسبت به نعمت‌های خداوند معرفی شده و در مقابل، ناسپاس‌ترین مردم، حریص‌ترین آنان بیان شده است. امام علی (ع) در این باره می‌فرمایند:

«أَشْكُرُ النَّاسَ أَقْنَعُهُمْ وَ أَكْفَرُهُمْ لِلنَّعَمِ أَجْشَعُهُمْ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۸: ۱۱۱).

بنابراین آنان که در مسیر قناعت و کفاف گام برمی‌دارند، در راه شکر و سپاس خالق خویش



حرکت می کنند و آنان که حرص و طمع را پیشه خود ساخته اند، در حقیقت به سوی سرزمین کفران و قدرناشناسی نعمت های الهی، در حرکت شتابان اند. رسول گرامی اسلام (ص) نیز در ضمن حدیثی، شکرگزاری بنده را از نشانه ها و ثمرهای قناعت گری بیان داشته، فرمودند:

«كُنْ وَرِعًا تَكُنْ أَعْبَدَ النَّاسِ وَكُنْ قَنَعًا تَكُنْ أَشْكَرَ النَّاسِ» پرهیزگار باش تا از عابدترین مردمان شوی و قناعت کن تا از شاکرترین مردمان شوی (پاینده، ۱۳۷۸: ۶۱۷).

۶. قناعت، ارمغان عفت

اگر عفت در معنای دقیق، جامع و صحیح خود، آن گونه که واژه شناسان خبره برای آن تعریف و توصیف کرده اند یعنی «اكتفاكردن حد اقلی در مصرف» (مصطفوی، ۱۳۶۰ ش: ج ۸: ۱۸۰). و یا «حالتی در نفس که به واسطه آن از غلبه شهوات امتناع می شود» (راغب اصفهانی، بی تا، ۳۳۹)، فهم گردد، آن وقت رابطه مستقیم و تنگاتنگ میان عفت و قناعت به روشنی درک خواهد شد؛ به گونه ای که می توان قناعت را ارمغان ارزشمند عفت قلمداد کرد. از همین رو امام علی (ع) در بیان خویش، قناعت را ثمره و محصول مستقیم عفاف دانسته می فرماید:

«تَمَرَةُ الْعِفَّةِ الْقَنَاعَةُ» محصول پاکدامنی، قناعت است. (آمدی، ۱۳۷۸ ش، ج ۳: ۳۳۱)

۷. قناعت، سلطنتی پایدار و ثروتی ماندگار

فرهنگ قناعت در آموزه های اسلامی از چنان ظرفیت و منزلتی برخوردار است که پیشوایان معصوم (ع) از آن به عنوان مظهر قدرت و سلطنت پایدار یاد کرده اند. پیامبر اعظم (ص) در این زمینه می فرماید:

«الْقَنَاعَةُ مُلْكٌ لَا يَزُولُ»: قناعت، فرمانروایی بی پایان است (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۱: ۳۴۹).

پادشاه در جهان بینی مادی و غیر توحیدی، کسی است که قدرت و ثروت فراوانی داشته باشد و زیردستان، تمامی دستورهای وی را بی چون و چرا اجرا کنند. همچنین پادشاه هر وقت و هر اندازه که اراده نماید، بی کم و کاست، مصرف کند و در عین حال هم اصلاً اهل قناعت و کفاف نیست؛ ولی پادشاه واقعی در جهان بینی توحیدی و مکتب قرآن و عترت (ع) اهل



قناعت است و ثروت و قدرت واقعی او، همان اراده والای وی در قناعت ورزیدن است. چنین انسان‌های قانع و پرهیزگار بر تمامی جغرافیای قلب‌های بشریت، سلطنت می‌کنند؛ نه آنکه فقط بر قلمرو و محدوده اندکی از زمین حاکم باشند.

امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: «كَفَى بِالْقَنَاعَةِ مُلْكًا وَ بِحُسْنِ الْخُلُقِ نَعِيمًا»: آدمی را قناعت برای دولتمندی و نیز خوش‌خلقی برای فراوانی نعمت‌ها کافی است (نهج البلاغه، حکمت ۲۲۹). آن حضرت در حدیث دیگری، از قناعت به‌عنوان گنجینه و ثروتی لایتنه‌ای و تمام نشدنی یاد می‌کند و می‌فرماید: «الْقَنَاعَةُ مَالٌ لَا يَنْفَدُ»: قناعت ثروتی است که هیچگاه تمام شدنی نیست. (نهج البلاغه، حکمت ۵۴) متأسفانه امروزه بسیاری از افراد به‌دنبال ثروت و دفرینه‌ای ماندگار هستند و تأسف‌بارتر اینکه آن را از خارج و در نزد دیگران طلب می‌کنند؛ در حالی که خود می‌توانند آن را در نزد خویش تولید و از درون خود بهره‌برداری نمایند. بنابر این، قناعت برای انسان هم ثروت و دارایی ماندگار به ارمغان می‌آورد و هم سلطنت و قدرت پایدار به همراه دارد.

۴. کارکردهای قناعت

قناعت به‌عنوان جلوه‌گاه عالی‌ترین معارف و دستورهای اصیل و بی‌بدیل اسلامی در گستره آموزه‌های قرآن و عترت (ع)، دارای آثار و کارکردهای گوناگون و اثربخشی است که بی‌شک نظایر و نمونه‌های آن در هیچ مکتب و آیین دیگری یافت نمی‌شود. جامعیت تعالیم اصیل اسلامی برخاسته از وحيانیت مقدس، قناعت را دارای چنان ظرفیت و توانمندی ای می‌داند که تمسک و توسل به آن در تمامی ادوار و شئون زندگی فردی و اجتماعی می‌تواند به‌عنوان نسخه شفابخش آلام مادی و معنوی بشریت امروز در جهان پر هیاهو و در عین حال پیشرفته تلقی شود؛ آثار و کارکردهایی که در طول حیات چهارده قرن آیین اسلام، زوایای پیدا و پنهان آن برای همگان منکشف و هویدا گردیده است. بر اساس این مهم‌ترین آثار و کارکردهای فرهنگ قناعت را می‌توان در موارد ذیل دسته‌بندی کرد:

الف - کارکردهای معنوی و تربیتی

اصلی‌ترین و مهم‌ترین کارکرد قناعت‌ورزی را می‌توان در حوزه تربیت دینی و معنویت‌گرایی



افراد جامعه بر شمرده؛ زیرا اگر اصل تربیت و آموزش معنوی مردم به درستی و کمال انجام پذیرد، قطعاً سایر شئون و عرصه‌های زندگی آنان نیز به نوعی تکمیل و تعدیل خواهد شد.

کارکردهای معنوی و تربیتی قناعت عبارت اند از:

۱. عزت آفرینی و سربلندی:

عزت آفرینی و سربلندی، از بنیادی‌ترین کارکردهای معنوی و تربیتی قناعت است؛ به گونه‌ای که خداوند سبحان در قرآن کریم به صراحت در این باره سخن گفته و عزت راستین را از آن خدا، رسول خدا (ص) و مؤمنان دانسته اند: «... وَ لِلّٰهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ لَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (منافقون، آیه ۸).

اما اینکه این عزت چگونه حاصل می‌شود و برای دست یابی به آن، چه راهی را باید پیمود، در مکتب اسلام به روشنی بدان پرداخته شده است. از این رو، پیامبر خاتم (ص) در حدیثی، به صراحت از قناعت به عنوان دستمایه عزت و حریت یاد کرده فرمودند: «عَزَّ الْمُؤْمِنُ اسْتِغْنَاؤُهُ عَنِ النَّاسِ وَ فِي الْقَنَاعَةِ الْحَرِيَّةُ وَ الْعِزُّ»: عزت مؤمن در بی‌نیازی او از مردم است و این آزادی و عزت (ناشی از استغنا از خلق) در سایه قناعت به دست می‌آید (ورام ابن ابی فراس، ۱۳۷۸ ش: ۱۶۹).

حضرت علی (ع) در باره عزت آفرینی قناعت فرمودند: «الْقَنَاعَةُ عِزٌّ» (آمدی، ۱۳۷۸ ش: ج ۱: ۲۵). همچنین در روایت دیگر فرمودند: «الْقَنَاعَةُ أَبْقَى عِزٍّ». (همان منبع: ۱۶۳) آن حضرت در حدیث دیگری در باره کارکرد عزت آفرین قناعت و نیز آثار زیان‌بخش حرص و طمع، چنین اشاره می‌فرمایند: «مَنْ قَنَعَتْ نَفْسُهُ عِزٌّ مُعْسِرٌ وَ مَنْ شَرِهَتْ نَفْسُهُ ذُلٌّ مُوسِرٌ»: کسی که نفسش قانع باشد، در حالت سختی هم ثروتمندانه زندگی می‌کند و کسی که نفس خویش را حریص بار آورد، با وجود داشتن دارایی فراوان هم، ذلیلانه زندگی می‌کند (محمّدی ری‌شهری، ۱۳۷۷: ج ۸: ۲۸۰). همچنین ایشان در سخنی دیگر، درباره کسب عزت از راه قناعت و حکمت، چنین می‌فرمایند: «غَنَى الْعَاقِلِ بِحُكْمَتِهِ وَ عِزُّهُ بِقَنَاعَتِهِ»: توانگری عاقل به حکمت او و عزتش نیز به قناعت اوست (آمدی، ۱۳۷۸ ش: ج ۴: ۳۸۶).

۲. آزادگی و رهایی:

فرهنگ قناعت علاوه بر عزت آفرینی و سرافرازی، انسان را به قله آزادگی و نجات از اسارت



هواهای نفسانی می‌رساند و این از شیرین‌ترین رهاورد قناعت در فرهنگ اسلامی به‌شمار می‌رود. بنابر این باید قناعت را حلقه اتصال میان عزت و آزادگی اسلامی دانست. از این رو حضرت علی(ع) در حدیثی، طمع را مایه بندگی و قناعت را باعث آزادگی می‌شمارند و می‌فرمایند: «الْحُرُّ عَبْدٌ مَا طَمِعَ وَالْعَبْدُ حَرٌّ مَا قَنَعَ»: انسان آزاد مادامی که طمع ورزد، هنوز برده دیگران است و بنده تا زمانی که قناعت ورزد، آزادمرد است (آمدی، ۱۳۷۸ ش: ۳۳). بر اساس این فرمایش امام علی(ع)، ملاک آزادگی انسان‌ها در دنیا بر اساس میزان تعلقات و وابستگی‌های آنان به ظواهر و متاع‌های دنیوی است. آنان که به متاع ناچیز دنیا پشت پا زده قناعت را سرمایه زندگی خویش قرار داده‌اند، از وارستگی و رهایی بیشتری برخوردارند؛ هر چند که ظاهراً به چشم عبد و برده به آنها نگریسته شود. آنان که نسبت به ظواهر و زخارف زودگذر دنیا شیفتگی و دلبستگی بیشتری نشان داده‌اند، حقیقتاً برده طمع‌های آن هستند؛ هر چند که به صورت ظاهر آزاد و رها باشند. از همین روست که امام معصوم(ع) چنین می‌فرماید: «وَمَنْ قَنَعَ فَكَ رَقَبَتُهُ مِنْ عَبْدِيَّةِ الدُّنْيَا»: هر کس که قناعت ورزد، طوق بندگی دنیا را از گردن خویش درآورده است (آمدی، ۱۳۷۸ ش: ۳۳). همچنین امام علی(ع) تنها راه نجات از بندگی حرص و طمع را در انتقام‌جویی و مبارزه بی‌امان با آن از رهگذر قناعت معرفی می‌کند و می‌فرماید: «اَنْتَقِمُ مِنْ حِرْصِكَ بِالْقَنَوعِ كَمَا تَنْتَقِمُ مِنْ عَدُوِّكَ بِالْقِصَاصِ»: با قناعت‌ورزی از حرص انتقام بگیر؛ همچنان که به وسیله قصاص از دشمن انتقام می‌گیری (آمدی، ۱۳۷۸ ش: ۱۳۶).

۳. اصلاح و تهذیب نفس:

یکی دیگر از فواید معنوی فرهنگ قناعت را می‌توان در نقش آفرینی آن در مرحله تهذیب درون و اصلاح آن از رذایل معنوی اخلاقی دانست تا در وادی جهاد اکبر و تحصیل کمالات انسانی قدم نهاد. از این رو مولای متقیان حضرت علی(ع) بهترین کمک کار در این راه را، قناعت معرفی کرده اند: «اعُوْذُ شَيْءٍ عَلَى صِلَاحِ النَّفْسِ الْقَنَاعَةِ»: بهترین همکار در مسیر اصلاح درون، قناعت است (آمدی، ۱۳۷۸ ش: ج ۱: ۱۱۳). این امر تا بدان جا اهمیت دارد که آن حضرت، اساساً اصلاح نفس بدون در پیش گرفتن مشی قناعت و اعتدال را ناممکن شمرده می‌فرماید: «كَيْفَ يَسْتَطِيعُ صِلَاحُ

نَفْسِهِ مَنْ لَا يَتَّقِعْ بِالْقَلِيلِ: چگونه می تواند نفس خود را تهذیب کند آن کسی که به مقدار کم، قناعت نشان ندهد (آمدی، ۱۳۷۸ش: ج ۴: ۵۶۰). بنابراین از دیدگاه امام علی (ع) قناعت از مهم ترین عوامل خودسازی و بهسازی درون به شمار می رود: «إِذَا رَغَبْتَ فِي صَلَاحِ نَفْسِكَ فَعَلَيْكَ بِالْاِقْتِصَادِ وَ التَّقْوَى وَ التَّقَلُّلِ»: هر گاه به اصلاح نفس خویش روی آوردی، پس با میانه روی، قناعت و کم کردن از خواهش ها همراه شو (آمدی، ۱۳۷۸ش: ج ۱: ۱۹۵).

۴. رضایت مندی و نیل به آرامش و آسایش:

به هر اندازه که روحیه قناعت و کفاف در وجود آدمی نهادینه و عملیاتی شود، به همان اندازه نیز روحیه عزت طلبی و رضایت مندی حاصل از این سبک زندگی در وی قوی و بارزتر خواهد شد. بنابراین، انسانی که احساس خرسندی و سربلندی در خود می کند، به سوی ساحل آرامش و آسایش خیال در حرکت خواهد بود؛ زیرا او با قناعت طلبی و تهذیب درون، از بسیاری از دغدغه های فریبنده، آسوده و برکنار است و دنبال طمع ورزی و یا جلب منافع بیشتر و مازاد بر نیاز نیست. از همین روی، امام علی (ع) قناعت را سرلوحه شناسنامه رضایت معرفی کرده می فرماید: «الْقَنُوعُ عُنْوَانُ الرِّضَا»: قناعتی که موجب رضایت و خشنودی شود، قطعاً آرامش روحی و روانی انسان را نیز به همراه خواهد داشت (آمدی، ۱۳۷۸ش: ج ۱: ۱۹۵). همچنین حضرت در حدیثی دیگر چنین می فرماید: «ثَمَرَةُ الْقَنَاعَةِ الرَّاحَةُ»: نتیجه قناعت، آسودگی است. (نهج البلاغه، حکمت ۲۵۶) بنابراین، آسایش برآمده از روحیه قناعت و سرافرازی، آدمی را در برابر بسیاری از آسیب ها و تلاطمات روحی و اخلاقی، مصونیت بخشیده، زمینه تکامل و تعامل هر چه بیشتر وی در سطوح و ابعاد مختلف جامعه را فراهم می سازد. امام صادق (ع) نیز در همین باره می فرماید: «مَنْ قَنَعَ بِالْمُقْسُومِ اسْتَرَاحَ مِنَ الْهَمِّ وَ الْكَذِبِ وَ التَّعَبِ»: هر کس به مقداری که روزی اوست، قناعت کند، از پریشانی، غصه و رنج راحت می شود (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۶۸: ۳۴۹). در مقابل، فرد حریص که در قاموس او قناعت جایی ندارد، راحتی و آسودگی را نخواهد یافت؛ چنان که امام علی (ع) در این باره می فرماید: «حُرْمُ الْحَرِيصِ الْقَنَاعَةَ فَافْتَقَدَ الرَّاحَةَ»: به موازات قناعتی که حریص از آن محروم شده، راحتی و آسایش را نیز از کف داده است (حر عاملی، ۱۴۰۹: ج ۱۶: ۲۰).



قناعت نه تنها آرامش و آسایش روح و روان آدمی را تضمین و تأمین می کند، بلکه ضامن آسودگی تن و سلامتی جسم نیز هست. از این رو مولای متقیان (ع) در این باره می فرمایند: «الْقَنُوعُ رَاحَةٌ الْأَيْدَانِ»: قناعت، مایه آسایش تن آدمی است (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۵: ۱۲۸). تن هرگز آرام نخواهد گرفت تا آنکه از غم و غصه رهایی یابد و بنابر فرمایش آن حضرت، این امر جز به مدد قناعت و کفاف، میسر نخواهد شد: «مَنْ قَنَعَ لَمْ يَغْتَمَّ»: انسان قانع، از غم و غصه رهایی می یابد (آمدی، ۱۳۷۸: ج ۲: ۳۳۰).

۵. سلامت و حراست در دین:

یکی دیگر از آثار و کارکردهای ماندگار فرهنگ قناعت در بعد معنوی را باید در محافظت و نگهداری از عقاید و باورهای دینی و نظام ارزشی انسان مؤمن جست و جو کرد؛ چرا که فرد قانع با رویکرد قناعت محور خویش از مجموعه دین و اصول اساسی حاکم بر زندگی عزت مندانه خویش در برابر آسیب ها و تهدیدهای مادی و معنوی، محافظت و حراست نموده، آنها را در برابر هر نوع خطر ها و لغزش های احتمالی پیش رو، مصونیت می بخشد که این همان رعایت سلامت دینی یک انسان مؤمن است امام علی (ع) در حدیثی می فرمایند: «ثَلَاثُ هُنَّ كَمَالُ الدِّينِ الْإِخْلَاصُ وَ الْيَقِينُ وَ التَّقَنُّعُ»: کمال دین در سه چیز است: اخلاص، یقین و قناعت (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۵: ۱۲۹). اگر این کلام امام علی (ع) به دقت مورد ارزیابی قرار گیرد، آن وقت به روشنی می توان بر نقش سلامت بخشی و ایمن سازی فرهنگ قناعت صحنه گذاشت؛ همچنان که در کلام علوی (ع) به صراحت از آن به عنوان رمز سلامت دین و عامل بازدارنده از خطر ها و لغزش های معرفتی یاد شده است: «افْتَعُوا بِالْقَلِيلِ مِنْ دُنْيَاكُمْ فَإِنَّ الْمُؤْمِنَ الْبُلْغَةَ الْيَسِيرَةَ مِنَ الدُّنْيَا تُقْنِعُهُ»: برای سلامت دین خود به مقدار اندک از دنیا قناعت کنید که مقدار اندک متاع دنیا، فرد مؤمن را بسنده کند (همان جا).

۶. تخفیف در حسابرسی آخرت:

به همان اندازه که فرهنگ قناعت برخاسته و منبعث از اندیشه توحیدی و معاد اندیشی بر پایه کثرت یاد مرگ و آخرت است و انسان مؤمن، به عاقبت و فرجام اعمال خویش و نیز محاسبه نفس در دنیا و آخرت می اندیشد، در مقابل نیز از آثار و برکات معنوی و اخروی قناعت پیشگی و برداشت اندک از متاع در سرای باقی بهره مند می شود. بنابراین ارتباط دوسویه

قناعت و به فکر مرگ بودن، در حدیث نورانی امام علی (ع) به صراحت بیان شده است:

«وَمَنْ أَكْثَرَ مِنْ ذِكْرِ الْمَوْتِ رَضِيَ مِنَ الدُّنْيَا بِالتَّيْسِيرِ»: آن کس که فراوان از مرگ یاد کند، قطعاً به مقدار ناچیز از دنیا، اکتفا می‌کند و بدان راضی می‌شود. نهج البلاغه، حکمت (۳۴۹)

بنابراین، معادگرایی و مرگ‌اندیشی مبتنی بر قناعت‌ورزی در دنیا، باعث تخفیف و تسهیل در حسابرسی و محاسبه اعمال آدمی در قیامت می‌شود؛ چنان که رسول خدا (ص) در این باره فرموده‌اند: «أَفْتَعْ بِمَا أُوتِيتَهُ يَخَفَ عَلَيْكَ الْحِسَابُ»: به آنچه از این دنیا به تو داده شده است، قانع باش تا حسابت در آخرت بر تو سبک شود (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۷: ۱۸۷). حضرت علی (ع) نیز در حدیث خویش این دسته از انسان‌های قانع و فرجام‌اندیش را مورد تجلیل و تقدیر قرار داده فرمودند: «طُوبَى لِمَنْ خَافَ الْعِقَابَ وَ عَمِلَ لِلْحَسَابِ وَ صَاحَبَ الْعَفَافَ وَ قَنَعَ بِالْكَفَافِ وَ رَضِيَ عَنِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ»: خوشا به حال کسی که از عقاب شدن خویش بترسد، برای محاسبه نفس خویش کاری انجام دهد، با عفاف هم‌نشین شود، به مقدار کفاف، قانع باشد و از پروردگار خویش خشنود گردد» (آمدی، ۱۳۷۸: ج ۴: ۲۴۸).

ب- کارکردهای اقتصادی و اجتماعی

فرهنگ قناعت علاوه بر آنکه به نوعی تمرین معنویت و تربیت فردی و اجتماعی به‌شمار می‌رود، دارای آثار و کارکردهای اقتصادی و اجتماعی سازنده‌ای است که اگر به‌درستی و کمال مورد توجه و عمل قرار گیرد، قطعاً بازخوردهای مثبت و سازنده‌ای در میان اقشار مختلف جامعه همراه خواهد داشت و در نتیجه می‌تواند کلید گره‌گشای از بسیاری از معضلات و نارسایی‌های اقتصادی و اجتماعی در جامعه دینی و اسلامی قرار گیرد. از این رو مهم‌ترین کارکردهای اقتصادی و اجتماعی فرهنگ قناعت را می‌توان چنین برشمرد:

۱. فقر زدایی:

فقر و تهیدستی به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین مشکلات اقتصادی و اجتماعی، دامنگیر بسیاری از جوامع بشری به‌ویژه جوامع اسلامی شده و شیوع پدیده تکدی‌گری، آسیب‌های فرهنگی، اجتماعی و... را در پی داشته است. آموزه‌های غنی اسلام برای مدیریت صحیح و کارآمد اقتصاد جامعه



به‌ویژه در توزیع عادلانه ثروت و درآمدهای ناشی از تولید و نیز مصرف بهینه سرمایه‌ها، برنامه‌های سازنده و عملیاتی را پیشنهاد کرده است که کاربست همه‌جانبه آن، باعث رونق اقتصادی و کاهش فشارهای اقتصادی و نیز شکاف طبقاتی خواهد شد. قطعاً دسترس‌ترین و ارزان‌ترین و در عین حال کارآمدترین برنامه اقتصادی در این باره، مدیریت صحیح منابع با رعایت و اصلاح الگوی مصرف بر محور قناعت خواهد بود. بنابر این، قناعت‌ورزی و اصلاح الگوی مصرف، علاوه بر آنکه به مدیریت صحیح منابع و ثروت کمک شایانی می‌کند، باعث خواهد شد تا پدیده فقر و تکدی‌گری کم‌کم از جامعه اسلامی رخت بربندد و به‌نوعی شاهد توازن نسبی اقتصادی در میان طبقات مختلف جامعه باشیم. امام علی(ع) در این باره می‌فرماید: «وَلَا مَالَ أَذْهَبَ لِلْفَاقَةِ مِنَ الرِّضَا بِالْقُوتِ»: و هیچ ثروتی بهتر از رضایت و قناعت نسبت به روزی رسیده در پیشگیری از فقر نیست (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۷۱).

یکی از بهترین و مؤثرترین راهکارهای مبارزه و مقابله با فقر و تنگدستی در ابعاد فردی و اجتماعی آن، قناعت‌ورزی و راضی شدن به رزق مقسوم الهی است. این امر به‌طور مستقیم و غیر مستقیم در زمینه بازدارندگی و پیشگیری از شیوع فقر و تهیدستی در جامعه مؤثر خواهد بود. آن حضرت در بیانی دیگر در این باره چنین می‌فرماید: «عَنِّي الْفَقِيرُ قَنَاعَتُهُ»: بی‌نیازی فقیر، قناعت‌ورزی اوست (آمدی، ۱۳۷۸ ش: ج ۲: ۱۲۸).

البته در این باره نباید از منطق میانه‌روی و مصرف بهینه منابع در کاهش فقر غفلت ورزید. امام علی(ع) در حدیث خویش همین اعتدال و میانه‌روی در مصرف را باعث رشد ثروت ناچیز برمی‌شمارند: «الْإِقْتَصَادُ يُنْمِي الْيُسْرَى»: میانه‌روی در مصرف، موجب رشد ثروت ناچیز می‌گردد (آمدی، ۱۳۷۸ ش: ج ۱: ۲۱). شاید بتوان ریشه این استدلال علی(ع) را در این سخن پیامبر خدا(ص) جست و جو کرد که آن حضرت، قناعت را موجب برکت رزق و روزی دانسته فرمودند: «الْقَنَاعَةُ بَرَكَةٌ»: قناعت باعث برکت است (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۷: ج ۱: ۵۴۵). در حدیثی دیگر، امام صادق(ع) رابطه قناعت و عدم تنگدستی را برای عامل به این توصیه خویش تضمین نموده می‌فرماید: «ضَمِنْتُ لِمَنْ اقْتَصَدَ أَنْ لَا يَفْتَقِرَ»: کسی که در زندگی به اندازه مصرف کند، ضمانت می‌کنم که فقیر نشود (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۴: ۵۳).

۲. فروکاستن از مخارج گزاف و هزینه‌های سنگین زندگی:

امروزه متأسفانه مخارج گزاف و غیر ضرور زندگی که خارج از الگوی مصرف نیز هست، مشکلات و نارسایی‌هایی را بر اقتصاد خانواده‌ها و به تبع آن بر اقتصاد جامعه وارد ساخته است که برای برون‌رفت از آن باید چاره‌اندیشی کرد. معصومین (ع) که سابقه تعالیم و مدیریت آنان به چهارده قرن می‌رسد، مشی قناعت و اکتفا نمودن به قوت مقدر را به عنوان اساسی‌ترین و زبینه‌ترین الگوی مصرف معرفی کرده‌اند. این امر از یک سو باعث کاهش هزینه‌های مازاد و غیر ضرور زندگی مردم می‌شود و از سوی دیگر، تعادل و توازن اقتصادی را در جامعه برقرار می‌کند. پیامبر اکرم (ص) فروکاستن از هزینه‌ها و مخارج را، زینت قناعت دانسته فرمودند:

«وَالْتَقَلُّ زِينَةَ الْقَنَاعَةِ» (محمّدی ری شهری، ۱۳۷۷: ج ۴: ۳۴۵). امام علی (ع) نیز قناعت را عامل ثبات اقتصاد خانواده‌ها می‌دانند و می‌فرمایند: «عَلَيْكَ بِالْعَفَافِ وَ الْقَنُوعِ فَمَنْ أَخَذَ بِهِ حَقَّتْ عَلَيْهِ الْمُؤْنُ» بر تو باد که به مشی عفاف و قناعت حرکت کنی که هر کس چنین کند، قطعاً هزینه‌های زندگی بر وی سبک خواهد شد (آمدی، ۱۳۷۸: ج ۱: ۲۹۲). آن حضرت در بیانی دیگر، هزینه‌های وارده بر افراد قانع را سبک‌تر و قابل تحمل‌تر نسبت به سایر اقشار جامعه دانسته می‌فرمایند: «كُلُّ مُؤْنٍ الدُّنْيَا خَفِيفَةٌ عَلَى الْقَانِعِ وَ الْعَفِيفِ»: همه مخارج دنیا بر فرد قناعتگر و پرهیزگار، سبک و آسان است (آمدی، ۱۳۷۸: ج ۴: ۳۴۵).

شاید همین فروکاستن از هزینه‌های گزاف زندگی، که ریشه در قناعت نیز می‌تواند داشته باشد، بر انگیزه و نگرش مردم در محیط کسب و کار و بعضاً شغل آنان تأثیر مثبت بگذارد و آنان با نشاط و شادابی بهتری به زندگی خود بپردازند. بنابر این، امیرالمؤمنین علی (ع) یکی از آثار مثبت و سازنده فرهنگ قناعت را اعتدال و زیبایی در کسب و کار دانسته می‌فرمایند: «تَمَرَةُ الْقَنَاعَةِ الْإِجْمَالُ فِي الْمَكْتَسَبِ وَ الْعُزُوفُ عَنِ الطَّلَبِ»: نتیجه قناعت، اعتدال در کسب و کار و ترک طلب از مردم است (آمدی، ۱۳۷۸: ج ۳: ۳۳۰).

بنابر این فرد قانع، نه تنها از بار سنگین و کمر شکن هزینه‌ها رهایی پیدا می‌کند، بلکه از دست طمع، حرص و آز ناشی از دنیا طلبی مفرط نیز خلاصی می‌یابد؛ چنان که که امام علی (ع) در زمینه



می‌فرمایند: «مَنْ قَنَعَ قَلِّ طَمَعُهُ»: آن کس که قناعت ورزد، طمع او کم می‌شود. (آمدی، ۱۳۷۸ ش: ج ۵: ۲۱۰) حضرت علی (ع) در بیان دیگری، انسان قانع را مصون از آفات طمع، و معرفی می‌کند: «الْقَانِعُ نَاجٍ مِنْ آفَاتِ الْمَطَامِعِ»: همچنین به نظر ایشان، شخص طمعکار، گرفتار ذلت و پستی است؛ چنان که می‌فرمایند «الطَّامِعُ فِي وَثَاقِ الذُّلِّ»: حریص، همیشه درگیر ذلت و خواری است (نهج البلاغه، حکمت ۲).

۳. مبارزه با اسراف:

اسراف و تبذیر یکی از مهم‌ترین معضلات فرهنگی و اقتصادی در جوامع اسلامی است. با وجود آنکه آیین مرقی اسلام، دستورها و راهکارهای ارزنده و عملیاتی متنوع در این باره پیشنهاد داده است، ولی معضل مزبور همچنان در جوامع اسلامی دیده می‌شود. یکی از مهم‌ترین گزینه‌های اسلام در مبارزه با اسراف، گزینه قناعت است که می‌تواند به عنوان کارآمدترین راهکار در رعایت الگوی مصرف قلمداد شود. پیامبر اکرم (ص) درباره آثار زیانبار اسراف چنین می‌فرماید:

«مَنْ اقْتَصَدَ أَغْنَاهُ اللَّهُ وَ مَنْ بَذَرَ أَفْقَرَهُ اللَّهُ»: کسی که در هزینه‌های زندگی معتدل باشد، خدا او را بی‌نیاز می‌کند و کسی که اسراف و تبذیر نماید، فقیرش می‌کند» (محمّدی ری شهری، ۱۳۷۷: ج ۳: ۲۵۷).

مسئله اسراف در آموزه‌های دینی از گستره و مصادیق فراوانی برخوردار است؛ به گونه‌ای که بسیاری از موارد و مصادیقی که شاید از دیدگاه برخی مردم، اسراف نباشد، از نظر اسلام، اسراف قلمداد شود؛ به عنوان نمونه، پوشیدن لباس مهمانی در غیر آن، مصداق اسراف معرفی شده است. امام صادق (ع) در این باره چنین می‌فرماید: «إِنَّمَا السَّرَفُ أَنْ يُجْعَلَ ثَوْبُ صَوْنِكَ ثَوْبَ بَذْلَتِكَ»: اسراف آن است که لباس زینتی خود را لباس کار خویش قرار دهی (حر عاملی، ۱۴۰۲: ج ۵: ۲۲). با در پیش گرفتن فرهنگ قناعت، می‌توان اسراف و تبذیر را از جامعه ریشه کن کرد و به جای آن، به انفاق در حق محرومان و مستمندان روی آورد. رسول خدا (ص) در ستایش انسان قانع و نکوهش فرد آزمند فرمودند: «خيار امتی القانع و شرارهم الطامع»: قانعان از بهترین‌های امت من، و آزمندان، بدترین‌های آنها هستند (متقی هندی، بی تا، ج ۲: ۶۶۶).

نتیجه گیری

مهم ترین نتایج و دستاوردهای مقاله حاضر را می توان در موارد ذیل، تبیین و تقریر کرد:

۱- فرهنگ قناعت و خودبستگی را می توان از جمله مهم ترین فضایل اخلاقی و رفتاری مورد تأکید در آیین اسلام در سلوک فردی و اجتماعی و نیز راهبرد اساسی در زمینه مدیریت زندگی مادی و معنوی انسان ها برای دست یابی به سعادت و کمال دنیوی و اخروی مسلمانان قلمداد کرد که در هیچ آیین و مکتب دیگری تا این حد و اندازه مورد تأکید و تشویق قرار نگرفته است.

۲- فرهنگ قناعت در آموزه های اسلامی دارای مفهومی دقیق و عمیق و در عین حال جامع و گسترده است که تمامی گستره زندگی انسان را فرا می گیرد و تمام پیامبران الهی، پیشوایان و امامان معصوم (ع) و اولیای خداوند، فرهنگ قناعت و خودبستگی را سرلوحه زندگی خود قرار داده بودند؛ زیرا آنان، قناعت را موهبتی الهی و سلطنتی پایدار قلمداد می کردند که از یک سو منشأ عقلانی و منطقی دارد و از سوی دیگر رهاورد دلپذیر و ماندگار عفت و وارستگی و نیز نشانه تقوا و خویش داشتن داری و مصداق بارز شکرگزاری به درگاه احدیت است.

۳- برخلاف باورهای غلط و استنباطات ناقص عده ای در محدودسازی دامنه فرهنگ رهایی بخش قناعت در قلمرو مصرف کالاها و مصنوعات مادی و بشری و نیز مصرف گرایی اقتصادی و مالی، باید اذعان کرد که قناعت به عنوان یک فرهنگ و شاخصه بارز اسلامی، تمامی ابعاد و حوزه های زندگی مادی و معنوی مرتبط با امور دنیوی و اخروی انسان ها را فرا می گیرد؛ به گونه ای که می توان از آن به عنوان نسخه شفابخش در تنظیم و تعدیل نظامات و روابط حاکم بر شئون مختلف زندگی فرد مسلمان یاد کرد که در صورت عدم کاربست دقیق و به هنگام این مؤلفه ایمانی و اسلامی، دچار خسارت های جبران ناپذیری همچون: مهالک حرص و طمع و نیز اسراف و اتراف خواهد شد.

۴- در زمینه تبیین و تقویت مبانی دینی اقتصاد مقاومتی، باید اعتراف کرد که فرهنگ قناعت دارای ظرفیت های بالا و کارکردهای وسیعی است که اهتمام جدی به رویکردهای آن می تواند تأمین کننده سعادت و سلامت زندگی دنیوی و اخروی مردم در جغرافیای زندگی معنوی و تربیتی



و نیز اجتماعی و اقتصادی آنان به شمار آید. همچنین مقوله‌هایی نظیر «عزت‌طلبی و آزادی‌خواهی، رضایت‌مندی و داشتن آرامش و آسایش، سلامت و محافظت دینی، فقرزدایی، اسراف ستیزی و تعدیل هزینه‌ها و مخارج گزاف زندگی» را می‌توان از مهم‌ترین آثار و کارکردهای عملیاتی فرهنگ قناعت قلمداد کرد.

منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم و نهج البلاغه.
- ۲- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۷۸)؛ نهج الفصاحه؛ تهران: انتشارات دنیای دانش.
- ۳- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)؛ وسائل الشیعه؛ قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- ۴- حکیمی، محمد رضا (۱۳۷۶)؛ الحیاه؛ ترجمه احمد آرام؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۵- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (بی تا)؛ المفردات فی غریب القرآن؛ تهران: انتشارات مرتضوی.
- ۶- سادات، محمد علی (۱۳۶۵ش)؛ اخلاق اسلامی؛ تهران: انتشارات سمت.
- ۷- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵)؛ مجمع البحرین؛ تحقیق سید احمد حسینی؛ تهران: کتابفروشی مرتضوی.
- ۸- آمدی، عبدالواحد (۱۳۷۸)؛ غرر الحکم و درر الکلم؛ ترجمه و شرح سید هاشم رسولی محلاتی؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۹- قرشی، علی اکبر (۱۴۱۲ق)؛ قاموس قرآن؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۱۰- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)؛ الکافی؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۱۱- متقی هندی، علاء الدین (بی تا)؛ کنز العمال؛ قم: مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی.
- ۱۲- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)؛ بحار الانوار؛ بیروت: دارالاضواء.
- ۱۳- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۷)؛ میزان الحکمه؛ قم: دارالحديث.
- ۱۴- مصطفوی، حسن (۱۳۶۰)؛ التحقيق فی کلمات القرآن الکریم؛ تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۱۵- نراقی، محمد مهدی (بی تا)؛ جامع السعادات؛ قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- ۱۶- ورام ابن ابی فراس، مسعود بن عیسی (۱۳۷۸)؛ مجموعه ورام؛ قم: انتشارات مکتبه الفقیه.